

متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد عزیز: بنا به حضور در عالم اعتکاف و حس حضور بیش‌تر و شور ایمانی تاریخی‌مان در اعتکاف، یادداشتی را دوست داشتم با قلبی زبان‌آشنا و دلی مأنوس با عالم انسان دینی در میان بگذارم.

بسمه و رحمته و ربّحانه

حس حضور برین آدمی و چشیدن لذت اُنس با حقیقت جز با پناه بردن به خانه‌ای که درِیچه‌ای است برای اتصال به ملکوت و بریدن و کندن از شواغل حسی و مادی زندگی دنیا، و توجهی یگانه با حقیقت هستی، نتیجهٔ ورود به عالم اعتکاف است. لازمهٔ حضور در چنین عالمی اعتزال (کناره‌گیری) و احتباس (دوری از روزمرگی‌ها) و انقطاع (قطع کردن تعلقات) است. سنگ بنای حضور در عالم انسانی در سه ضلع «اعتزال» و «احتباس» و «انقطاع» شکل می‌گیرد و جوهر وجودی‌اش به فعلیت نهایی خود (صورت برتر انسانی) بار می‌یابد.

اعتکاف، همان «اقامت» و «عکوف» به معنای باز ایستادن از روزمرگی‌ها و شلوغی‌ها و اقامه کردن حق و حقیقت در «جان» آدمی است، آن‌جا که دیگر دنیا در مشغولات نباشد و در دنبال پیدا کردن راهی در نسبت با کمال نامتناهی و مطلوب جان خویش به دنبال روزه‌ای برای ادامهٔ حیات دنیایی می‌گردد. آن‌جایی که قرار است تا نقشهٔ هوایی زندگی معنویات را در طرح و نقشه و برنامهٔ خدا پیدا کنی و برای ادامهٔ زندگی به دنیا باز گردید و پس از سیر معراج ملکوتی، دوباره در هبوطی دیگر زندگی را بر طرح نقشه‌ای «کمال جویانه» و «آرزومندانه» و با امید در غایت قصوای لذتی پایدار که در ربط با کمال مطلق (خدا) است، تجربه کنی.

«اعتکاف»، بازخوانی قصهٔ هبوط آدمی است که چه شد که آسمان را از دست داد و در سیر «هبوط» آدم گرفتار زمین و زمینیان شد. اعتکاف فرصتی است برای بازگشت به همان نقطه عروج آدم، فقط باید آن را اقامه (به پا) داشت!

«اعتکاف» پیدا کردن معنای گم شده بشری است که گردِ شلوغی و شواغل حسی و مادی دنیا ضربان معنوی قلبش را کند و کندتر کرده و میل و اشتهايش به سبک باری و سبک بالی عالم معنا را از دست داده است.

«اعتکاف»، جان تازه‌ای است در ریه‌ها و کالبد وجودی انسان «نهیلیسم‌زده» که نیازمند قرنطینه است تا زندگی را باز جوید و دگرباره انسان به دنیا با نظر به آسمان نگاه کند. نبض و ضربان قلب را در عالم دینی اعتکاف به دست یگانه طبیب عالم هستی به عاریت می‌دهیم تا گردش خون معنوی‌مان کمی

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که فرموده‌اید انسان‌ها با اعتکاف خود که حضور در مسجد است به عنوان دریچه‌ای به سوی عرش؛ با جهانی آشنا می‌شوند که قابل توصیف نیست زیرا حضور دیگری است و معنای «وقت» که در متون دینی داریم برای انسانِ معتکف آشکار می‌شود و در راستای حضوری بعد از حضور که همان حاضرشدن در میدان «وجود» است، در عین تشکیکی‌بودن و شدت و ضعف‌داشتنِ «وجود»، نباید گمان کنیم که پس از اعتکاف، آن حالت از بین می‌رود بلکه باید متوجه بود برای حضور در مرتبه‌ای شدیدتر آن حالت، حالت دیروزین در اجمال خود قرار می‌گیرد تا مرتبه‌ای دیگر از «وجود» به تفصیل آید و لذا به یک معنا می‌توان گفت حالت دیروزینِ اعتکاف به حالت جلالی‌اش قرار می‌گیرد تا حضرت محبوب به جلوهٔ جمالی به سوی ما نظر کنند و از این جهت باید متوجهٔ زیبایی‌های فردای اعتکاف بود. موفق باشید